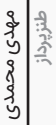




رضا جنگی

خود توی طبیعت تجزیه می شود.



بعضی ها هم برای اینکه عذاب وجدان نگیرند و با خیال راحت بتوانند زیاده‌اش را این طرف و آن طرف طبیعت پرتاب کنند، می‌گویند: پوست میوه و تخمه خود به

خود توی طبیعت تجزیه می شود. بعد هم مشاهده می شود که حتی پوست چپیس و یفک خود را هم یوز زمین رها کرده اند و انتظار دارند پوست چپیس و یفک هم. پوست و سبب و پرتقال را الگوی خودشان قرار دهند و همانند آن ها در زمین اندک در طبیعت تجزیه شوند. بعضی ها هم هستند که زباله ها خود را جمع آوری و همه آن ها را داخل یک کی می گذارند و در آن را هم محکم می بندند. می خواهند امیدوار شوی که طبیعت هستند ولی وقتی می روند می بینند که همه زباله ها را با همان کی می برند غیر از همان پلاستیک. فوط دارند راننده ماشین جمع آوری و فوط کلبه می پلاستیک زباله آن ها و ففت کیلومتری مشته برد و رأس ۹ شب، پلاستیک زباله آن ها را که طبیعت رها کرده اند بردارد خلاصه نام گذاری ۱۳ فردین به نام روز. تا ناگهانی عیبی است. مثل این که اتحادیه فروشندهان گوشت قرمز خودشان را بردارند و یک تابلو دیگری بر درشان نصب کنند. تابلویی که نوشته است: انجمن حمایت از اوران.

مروری بر نیم قرن فعالیت هنری مرحوم اسماعیل داورفر در سینما و تلویزیون، به بهانه زادروزش



اما سال ۱۳۵۴ با پذیرش پیشنهاد بازی در مجموعه تلویزیونی «دایی جان ناپلئون» بیش از پیش در میان بازیگران تازه نفس دهه ۵۰ به چشم آمد. در سال های پس از انقلاب اسلامی نیز با دو مجموعه «مثل آباد» به کارگردانی مسعود

محرّم زینال زاده، حمیدرضا صلاح‌مندی، مجید جعفری شیرازی، فرامرز قریبیان، کاوه دژگام و اکبر منصورفلاح ساخته شده، داستان یک آژانس مسافرتی و قصه رانندگان آن در هر قسمت بود. پرداختن به مسائل انسانی و موضوعات روز جامعه.

2

سید محسن موسوی زاده
روایت‌گر

یا گرفتن نقش قربانی، این واژه‌هایی است که می‌توان برای شروع نکردن باها کردن بسیاری از تصمیم‌های اول سال به‌آن‌ها استناد کرد. برخی از ما تاریخ می‌دهیم که از همان ابتدا نقش بازنده را بازی کنیم و برای رسیدن به هدف‌هایمان هیچ تلاشی نکنیم؛ زیرا بازی از نقش فردی که مادام در حال عجز و لایه‌برای نه‌نرسیدن به هدف‌هایش است یا کسی که نقش قربانی را می‌گیرد و همه‌آن‌ها دوست، فامیل، همکار و رئیس‌ان نه‌نرسیدن به اهدافش مقصر می‌داند، بسیار راحت‌تر از تلاش و کوشش کردن است. تلاش و کوشش نیازمند درنگ و مشقت است. آن هم رنج و مشقتی که هیچ‌تصمیمی هم برای موفقیتش وجود ندارد. برای همین به

تقسیم کنید تا به موفقیت برسید. به طور مثال به جای اینکه بخواهید یک مان را تمام کنید، به خودتان بگویید، روزی بیست صفحه مان می خوانم. اما اگر سال که می رسم، می بینم که هیچ کدام از این ها جواب نداد است و ما همچنان در همان جایگاهی هستیم که در ابتدای سال قرار داشتیم. با این حال ناامید نمی شوم و باز شروع سال جدید را در پیش می گیرم. اما چه جدید می دانم و با خود تصمیم می گیرم که روزی بیست صفحه مان می خوانم. تمام سعی ام می گویم حالا که موفق نشدم، تمام سعی ام می کنم که در سال آینده به اهدافم برسم. اما خیلی زود می دانم که این بار هم همان راه گذشته را می روم. اما به راستی چرا خودمان را چنین نمی کنیم؟ سوگاری و تیرازی خودمان را

می‌گوییم حالا که موفق نشدم، تمام سعی ام را می‌کنم که در سال آینده به اهدافم برسم، اما خیلی از ما می‌دانیم که این بار هم همان راه گذشته را می‌رویم. اما به راستی چرا با خودمان چنین می‌کنیم؟ سوگواری و ترحم برای خودمان

گویند: مردی از گرسنگی مشرف به مرگ شد. شیطان برای او غذا آورد، به شرط آنکه ایمان خود را به او بفرماید. مرد پس از دادن ایمان خود داری کرد و گفت: آنچه را که در گرسنگی فرو ختم موهوم و معدومی پیش نبود، چه آدم گرسنه ایمان ندارد.

برگرفته از امثال و حکم اثر استاد علی اکبر دهخدا



معبود خویش سجده کرده و دست به تحقیر جهانی زده است که به وحشی ترین و ظالمانه ترین شکل ممکن در حال گرفتن زندگی و حق حیات پاکباز آن ها است. این تصویر نمایشی است از قدرت ایمان و همبستگی برای پرورش امید در دل تاریک ترین لحظات. همان سیلی محکم و همان حقیقتی که نمی توان کتمانش کرد یا جلودارش بود.

عکاس و نویسندہ
حمید سبحانی

عکاس و نویسنده
حمید سوتوده

کاوه گلستان عکاس فقید و بزرگ ایرانی که همین چند روز پیش سالگرد فقدانش بود. در دوره های منتهی پر فراوانی از انقلاب تا جنگ حضور داشت و عاقبت در سلیمانیه عراق در جریان حمله آمریکا کشته شد. از او نقل قول مشهوری وجود دارد که می گوید: من می خواهم جسدهایی را به تو نشان دهم که مثل سیلی به صورت بخورد و امنیت تو را خدشه دار کند و به خطر بیندازد. می توانی نگاه کنی، می توانی خاموش باشی، می توانی هویت خودت را پنهان کنی مثل قاتل ها، اما نمی توانی جلوه حقیقت را بگیری، هیچ کس نمی تواند. ماه رمضان به روزهای پایانی خود نزدیک است و در حالی که مسلمانان در سراسر دنیا برای جشن عید فطر آماده می شوند، بخشی از مسلمانان در باریکه غزه متفاوت ترین ایام روزه داری و ماه رمضان خود را تجربه می کنند. اما برخی تصاویر و عکس هایی از این گوشه جهان منتشر می شود که گویا از جهانی ابزورد و آزارزمنی می آیند. از جغرافیایی که آنکار مسلمان و متعلق به آنکار نیست. تصویری که هر کدام می توانند روح هر بیننده را از وجدان بشری برخوردار است را خنثی بیندازد. عکس هایی منتشر شده از آخرین جمعه ماه رمضان از همان دست عکس هایی است که توان بی تفاوت بودن و گذر از این بیننده می گیرد. طی حمله هوواناک اسرائیل مسجد بزرگ و باشکوه الفاروق در شهر فتح به تلی از ویرانه ها و سیمان تبدیل شد، اما پرتوهای نماز جمعه آخر ماه رمضان بازماندگان را